

## ترور ترامپ ۲

رایان وسلی روث، عامل سوءقصد جدید به ترامپ فعال جنگ اوکراین است



صفحه ۷

# وطن امروز

## شاهد رشد سینما

صفحه ۸

### تیتراهای امروز

تاکید رئیس جمهور در نخستین نشست خبری با اهالی رسانه

## اسرائیل را می‌زنیم



پیام یحیی سنوار به عبدالملک الحوتی پس از شلیک موشک مافوق صوت انصارالله

## توفان الاقصی دوباره زنده شد

گزارش «وطن امروز» از جالش‌های لایحه بودجه ۱۴۰۴

## بودجه

## با اولویت سفره

افزایش هزینه‌های تحصیل: از رشد ۴۵ درصدی کرایه سرویس مدارس تا هزینه تأمین لوازم التحریر

## مشق گرانی!

کامران قاسمیور، دیوید تیپلور و تانک روس در مسابقات جهانی آلبانی؟

## مثلث برمودا

صفحه ۶

## رهبر انقلاب در دیدار جمعی از علما، امامان جمعه و مدیران مدارس علمیه اهل سنت سراسر کشور تأکید کردند

# حفظ هویت امت اسلامی

## امروز یکی از واجبات قطعی حمایت از مظلومان غزه است

صفحه ۲



خطاهای علمی عبدالکریم سروش در دفاع از مصطفی تاج‌زاده

## صدای خدا و صدای مردم

[ محسن سلگی ]

قرار دادن گزاره مذکور و یکی دانستن صدای خدا و صدای مردم، سروش چاره‌ای ندارد جز اینکه از نتیجه انتخابات در ایران، دست‌کم در بیشتر دوره‌ها حمایت کند، همچنین به برآمدن جمهوری اسلامی و نظام ولایت فقیه که با رأی بیش از ۹۸ درصد بوده، تمکین کند. این تمکین و پذیرش به هیچ وجه با سکولاریسم اندیشه صدای ماکایولی برخی واقع‌بینی‌ها و حکمت‌های قابل اعتنا وجود دارد.

علاوه بر اینها، سروش می‌داند که تولد سیاست مدرن با ماکایولی بوده است، همچنین او بوده که ترکیب دموکراسی با مونتازشی و آرستوکراسی را پیش‌بینی داد و همچون منتسکیو از نظام اختلاقی دفاع کرد. دیگر اینکه ماکایولی همواره از حاکمیت قانون دفاع می‌کرد و ظاهر شدن حکومت در نقش جانور(پروپا، و رویه) را تنها برای شرایط خاص و بحرانی مجاز می‌دانست. همه اینها خصوصیت دولت‌های مدرن و دموکراتیک غربی در جهان امروز است بنابراین سروش اگر می‌خواهد چنان مواجهه رمانتیک و شورانگیزی با ماکایولی داشته باشد، چاره‌ای جز تقلیل با همه این دولت‌ها ندارد؛ امری که هرگز توسط او اتفاق نیفتاده است.

### سخن نهایی

سروش در ۲۵ مرداد سال ۱۳۸۲ طی مصاحبه‌ای با ایرنا، بر جمله «صدای مردم، صدای خداست» اتکا کرده و آن را در نبود وحی نبی، تنها راه شنیدن صدا و سخن خدا می‌داند. در همان زمان او به‌طور خاص مروج دموکراسی پوپری بود. بنابراین تناقض مورد ادعای ما تنها به امروز سروش و تجلیش از تاج‌زاده بازمی‌گردد. دیگر اینکه صدای مردم می‌تواند صدای خدا باشد اما مطلق کردن این انگاره و تعدیل نکردن آن، جز به

می‌تواند صدای خدا باشد. اگر نیت و هدف آنها هم منطبق با حقیقت باشد، انطباق مذکور بیشتر خواهد شد. در نهایت، انگیزه کسب رضای خدا این انطباق را حداکثری خواهد کرد. فرض کنیم مردم و حتی تمام مردم، از استبداد دفاع کنند، یا رأی به مجاز بودن برده‌داری بدهند، آیا در این صورت هم سروش خواهد گفت صدای مردم، صدای خداست؟

قابل اشاره است که خاستگاه این جمله معروف، عامیانه و لاتین است و پیش از دوران روشنگری مطرح شده است اما بیشتر نویسندگان و روزنامه‌نگاران و حتی استادان دانشگاه تصور می‌کنند از دوره روشنگری و مشخصاً از زبان ژان ژاک روسو این جمله متولد شده است.

به هر روی نتیجه محتوا این گزاره و انگاره، ابزاری شدن خدا و قرار گرفتن دین در گرو خواست و اراده مردم خواهد بود. این درست همان چیزی است که ماکایولی می‌خواست، او بی‌آنکه منکر دین باشد و ضمن اعتراف به ارزش دین برای حفظ دولت و جامعه اما خواهان قرار گرفتن دین در دل دولت و عدم استقلال آن بود. از این رو دست بر قضا این سروش است که یکی از مهم‌ترین ایده‌های ماکایولی را برگرفته است.

از سوی دیگر، اگر با مبانی روسویی به مواجهه با سروش برویم، باید بگوییم گزاره مذکور به معنای ترجیح برابری و سنتز با هرگونه ساختار قانونمند است و این با لیبرال - دموکراسی مطلوب سروش بویژه با خوانش پوپری - کارل پوپر - نمی‌سازد؛ چه در نزد او، نه اکثریت و نه حتی افراد که باید قانون آن هم قانون لیبرال حاکم باشد. افزون بر اینها، با ملای

چندی پیش مصطفی تاج‌زاده نام‌های از زندان منتشر کرد که به این بهانه، عبدالکریم سروش نیز در یادداشتی با عنوان «عیسی بر صلیب» که در کانال تلگرامی‌اش منتشر شده، دفاعیه‌ای برای او نوشت. فارغ از محتوای بی‌ارزش نامه تاج‌زاده که بر سیاق همیشگی او بود اما دفاعیه سروش از او جای تامل داشت. سروش در این یادداشت کوتاه در ۳ پاراگراف خطای شناختی شده است: نخست آنکه ماجرای به صلیب کشیده شدن حضرت عیسی را پذیرفته است، دوم آنکه فهمی عامیانه و در تناقض با دموکراسی مطلوب خود از جمله «صدای مردم، صدای خداست» ارائه کرده است و سوم آنکه برداشتی سطحی از ماکایولی را به رشته تحریر درآورده و در اینجا هم به لوازم سخن خود التفات نداشته است.

خطای اول او در حالی است که هم‌زمان به عدالت علی(ع) اتکا و استناد می‌کند. سروش به نیکی اعتقاد امام اول شیعیان درباره سرنوشت عیسی مسیح(ع) را می‌داند. اگر همچنان عدالت تاریخی علی(ع) برای او مرجع است، باید به او متذکر شد که اعتقاد ایشان درباره مسیح و تاریخ رسولان چه بوده است. اما عمده نقد ما بر متن مشارالیه از دریچه فلسفه سیاسی بوده، بنابراین متوجه ۲ خطای دیگر اوست؛ ۲ خطایی که دست بر قضا و هم‌زمان از وجود دو تناقض در اندیشه سیاسی سروش حکایت دارد. می‌دانیم که فیلسوف باید به لوازم سخن خود پایبند و متوجه باشد. همچنین توقع می‌رود سروش به عنوان یک فیلسوف، به آرمان حقیقت و دست‌کم تقرب به آن وفادار باشد.

### صدای مردم، همیشه صدای خدا نیست

صدای مردم تنها در صورت انطباق با حقیقت

### دیدگاه

**محمد رستم پور:** انتصاب جنجالی و یکی دو حکم سرپرستی حاشیه‌دار کافی بود تا منتقدان رئیس جمهور از آن، ابعاد و معنا و مرزهای «وفاق ملی» سراغ بگیرند. از جمله از همان تریبون‌هایی که مسعود پزشکیان در مراسم تحلیف، نام دولت چهاردهم را بر زبان آورد؛ یعنی از تریبون مجلس شورای اسلامی و در روز تحلیف، هم‌مدقار قالیباف، رئیس مجلس، تذکر داد که پارلمان به وظیفه نظارتی خود عمل خواهد کرد و درباره انتصاب مدیران میانی که به «وفاق ملی» شباهتی ندارند، حتماً ورود خواهد کرد؛ تذکری که در نظر برخی، تجدیدنظر در رویه رأی اعتماد صدرصدی به کابینه مسعود پزشکیان تفسیر شد و در نگاه بعضی، مکمل آن رویه هر چه بود، «وفاق ملی» اکنون به یک بحث پرامنه سیاسی و رسانه‌ای تبدیل شده است. گفت‌وگو با برنامه دولت‌ها به صورت خاص از دولت حسن روحانی مورد توجه قرار گرفت، اگرچه تا پیش از سال ۱۳۹۲ هم دولت‌ها بر اساس یک منطق و مبنایی که در دوران انتخابات به جامعه ارائه می‌کردند و از آن رأی می‌گرفتند، مدعی طرح گفت‌وگو

سوابق معارضة سیاسی با نظام در رویدادهای تحصن نمایندگان مجلس ششم، فتنه ۸۸ و ناآرامی‌های ۱۴۰۱ داشتند، به این تعریف یک‌خطی بسنده کردند، گویی همه آنچه لازم است برای «وفاق ملی»، در همین یکی دو جمله تعریف می‌شود. به این ترتیب، وفاق ملی تعریف گسترده و سیال و البته پرچالشی پیدا خواهد کرد که با تعریف گفت‌وگو تفاوت‌های آشکاری خواهد داشت. پیش از آنکه حال مرکزی و دل‌های شناسار «وفاق ملی» - در صورت وجود- تعریف شوند، می‌توان به ۲ رکن اساسی تعریف پدیده‌ها یعنی «شباهت» و «غیریت» تمسک کرد. در اولی باید پرسید وفاق ملی با چه پدیده‌ها و تعاریف دیگری بویژه آنانی که برای زبان و ادبیات جامعه ملموس است، تشابه دارد. آیا وفاق ملی همان انسجام اجتماعی و وحدت سیاسی یا جذب حداکثری و دفع حداقلی مورد نظر رهبر انقلاب است یا به آشتی اصلاح‌طلبان که تساهل و تسامح بی‌جای نظام سیاسی را طلب می‌کردند، نزدیک است؟

ادامه در صفحه ۶

### یادداشت روز

## پزشکیان و مسأله ادبیات

[ امیرعباس نوری ]

نخستین نشست خبری رئیس دولت چهاردهم برگزار شد. این نشست خبری مجال مناسبی شد تا درباره دیدگاه‌ها، تصمیمات و سیاست‌های آقای دکتر پزشکیان و دولت او شفاف‌سازی شود. چند نکته قابل توجه درباره مواضع آقای رئیس جمهور قابل طرح است.

۱- مهم‌ترین برنامه دولت چهاردهم، چارندیشی برای معضل ناترازی‌هاست. تأکید مکرر آقای رئیس جمهور بر معضل ناترازی‌ها و مشکلاتی که در کشور ایجاد کرده، نشان می‌دهد دولت چهاردهم در همین ابتدای کار، در اندیشه حل این معضل یا کاهش تبعات آن است. در این میان مواضع پیشینی پزشکیان و برخی وزرای وی نشان می‌دهد فعلاً تنها راهسکار آنها در حوزه ناترازی ارزی، اصلاح قیمت‌هاست اما در سایر حوزه‌ها، بویژه ناترازی در بودجه، رئیس جمهور به حرف‌های کلی بسنده کرده است که نشان می‌دهد دولت در این حوزه جز برداشت از صندوق توسعه ملی، ایده‌ای ندارد. البته مشخص است که در حوزه‌های مالی، برنامه دولت چهاردهم نیز همان برنامه دولت‌های یازدهم و دوازدهم، یعنی حل مشکل از طریق تعاملات خارجی است؛ موضوعی که با توجه به تجربیات گذشته، فعلانی توان نسبت به آن چشم‌انداز مثبتی داشت. در مجموع در حوزه اقتصادی، نشست خبری دیروز آقای پزشکیان، نکته مهم جدیدی نداشت.

۲- آقای پزشکیان دیروز یک بار دیگر نشان داد ایده او مبنی بر وفاق ملی، صرفاً یک توصیه اخلاقی است. یعنی وفاق ملی را نمی‌توان به عنوان گفت‌وگو دولت چهاردهم در نظر گرفت. در نشست خبری دیروز مسائل سیاسی و فرهنگی متنوعی به عنوان مصادیقی برای تعریف مختصات ایده وفاق مطرح شد و این فرصت مناسبی بود تا آقای پزشکیان ایده وفاق ملی را بیشتر تشریح کند. با این حال این واقعیت بیشتر آشکار شد که آقای پزشکیان و اطرافیان وی، فعلاً جز اندرزه‌های اخلاقی، تعریفی برای ایده وفاق ملی سراغ ندارند. در مجموع، پس از نشست خبری دیروز آقای رئیس جمهور، همچنان تکلیف ایده وفاق ملی و کاربرد آن در مصادیق مورد بحث در جامعه نامشخص ماند.

۳- مواضع آقای رئیس جمهور در حوزه سیاست خارجی مواضع درستی بود. هم در حوزه همکاری با چین و روسیه، هم در موضوع تلاوم دیپلماسی کاهش اختلافات با همسایگان که در دولت شهید رئیسی دنبال می‌شد و هم در موضوعات مربوط به مواضع ایران در قبال رژیم صهیونیستی، اروپا و آمریکا، مواضع آقای رئیس جمهور در مجموع خوب و قابل دفاع است. با این حال آنچه به‌شدت نگران‌کننده است، ضعف مفرط آقای رئیس جمهور در بیسان این مواضع است که بگونه‌ای که بعضاً می‌تواند برای کشور دردرساز شود. پاسخ‌های آقای رئیس جمهور به سوالات مربوط به حوزه سیاست خارجی، کاملاً ناخفته و بدون رعایت پروتکل‌های مرسوم سیاسی و دیپلماتیک بود. البته ضعف آقای پزشکیان در بیان مواضع و اظهار نظر‌ها از قبل نیز پیدا بود اما به نظر می‌رسد دست‌کم برای این نشست خبری، آموزش‌های لازم به وی داده می‌شد. درست است که آقای پزشکیان هنوز از بهت ناشی از پیروزی‌اش در انتخابات خارج نشده و مرتباً این موضوع را در سخنرانی‌های خود مطرح می‌کند اما منصوبان وی باید او را به این واقعیت برسانند که او اکنون رئیس جمهور اسلامی ایران است و مواضع او درباره مسائل مختلف، بویژه مسائل خارجی مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرد و خدای نکرده هر نوع ضعف در بیان مواضع می‌تواند برای کشور هزینه‌ساز بوده و دردرس در دست‌کم پاسخی که آقای پزشکیان درباره شلیک موشک فراصوت یمن به سرزمین‌های اشغالی به خبرنگار الجزیره داد حقیقتاً تاسف‌آور بود. این تاسف بیشتر متوجه اطرافیان، معاونان و مشاوران وی بویژه رئیس‌جمهور نیاز به آموزش‌های لازم و حتی ابتدایی برای اعلام مواضع جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی دارد. نشست خبری روز گذشته آقای پزشکیان نشان داد در این حوزه یا اساساً آموزشی انجام نشده یا اینکه آموزش‌های لازم انجام شده اما آقای رئیس جمهور نسبت به آن بی‌تفاوت بوده است. به هر حال نشست خبری روز گذشته آقای رئیس جمهور نشان داد باید فکری اساسی برای ادبیات پزشکیان کرد، بویژه که آقای پزشکیان در آستانه سفر به نیویورک برای حضور در مجمع عمومی سازمان ملل قرار دارد و به احتمال زیاد او در آنجا با رسانه‌های مهم دنیا مواجه خواهد شد. لذا باید مراقبت لازم انجام شود.

## سلام وطن ۶۶۴۱۳۹۴۲

ادامه در صفحه ۶